

تقدیم به فعال کارگری  
سلمان یگانه، رفیق سازش ناپذیر

شقایق گلگون

پرستویی نپیده در خون

در میان دشت زندگی

در غروبی غم انگیز

کنون

محجوبی صمیمی

ستاره ای سرخ فام

نشسته بر آسمان قلبمان

در دشت ستاره ها

بی باک دلاوری

یگانه

ستاره ای شاد بنشسته در خون

دلش پر ز غصه غم نان

نمی گیرد آرام

بلند ، ستبر ، همچون کوه

دلواپس است دلواپس آهو

دلش پر از امید

که ایستد

کین خواهد ز سرمایه

فتاده در تپش

میان چنبره آهن

چشمانش نگران

نگران فرزندان

در غریبوست

شیر کوهی

زخمی است

عقاب تیز پروازمان

از ظلم سرمایه

باد ردپاهایش می جورد

در کوهستان.

نگاهش جستجوگر یاران

او پرچمدار خشم و کین

کارگری

اینک در دام سرمایه

اسیر

دستش برزانو

خونش ز تن روان

جسمش ناتوان

دردش فزون

دستش مشت

چشمش اما نگران

راستی، یاران را چه شد

یاران، یاران

خیزید در خیزشی بلند

سر گیرید پیکاری ستبر

علیه دژخیم

علیه سرمایه

برپادارید

نبردی بی امان

برخیزید، برخیزید.

**منوچهر**

اردیبهشت